



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۵ نوامبر ۲۰۲۴

حمید انوری

" سرِ زانغ، بودنه گرفتن "

"تقویت چندجانبه گرایی برای توسعه و امنیت جهانی عادلانه"

اندر مورد کنفرانس "کازان"

آنانی که از یک کشور تجاوزگر و در حالی جنگ، یک کشوری که از بسا جهات سیاسی- اقتصادی، دچار ورشکستگی اقتصادی است. از یک کشوری که با تمام قدرت تحت تحریم های سیاسی- اقتصادی جهان قرار دارد، یک کشوری که بار دگر در حال از هم پاشیدن است، یک کشوری که مردم عام آن سخت در مضیقه های اقتصادی گرفتار آمده اند و یک کشور از هم پاشیده و یک حکومت دیکتاتوری مطلقه یک فردی، در رنج و عذاب است و مردم عام و مخالف جنگ آن کشور روزانه هزاران هزار در حال فرار بوده و با قبولی خطر مرگ راه فرار از آن سرزمین نفرین شده جست و جو میکنند و... چگونه و با کدام عقل و منطق و فهم و شعور و درایت، توقع داریم تا ممد " توسعه و امنیت جهانی عادلانه" گردد؟!

درست است که نمایندگان یک تعداد کشور ها در آن مرز و بوم گرد هم آمدند و در جلسات پرزرق و برق و آنچنانی شرکت کردند و چپ و راست نظریه پردازی کردند و راه خویش گرفتند و رفتند و...، این در حالی بود که در همان دو سه روز که یک مشت افراد و اشخاص وجدان مرده، در آن جلسات آنچنانی مشغول چانه زنی ها و خورد و نوش ها بودند و...، هزاران هزار عسکر روسی و اوکراینی و مردم بی دفاع و بی گناه اوکراین به خاک و خون می غلتیدند، شهر ها به ویرانه های غم انگیز مبدل می گردیدند و کشور مستقل اوکراین به یک خاکدان سیاه و خون آلود مبدل گردیده و کشتار وحشتناکی در حال اجرا بود و...، اما ار سنگ و چوب صدای اعتراض بلند شد، ولی از این یک مشت افراد استفاده جو، منفعت طلب و وجدان مرده و شرف باخته، به شمول سکرتر جنرال سازمان پرطمطراق "ملل متحد"، هیچ آوازی و هیچ اعتراضی شنیده نشد که نشد و یا هم اگر چنان

اعتراضاتی بلند شده باشد، دیکتاتور قصی القلبی بنام "پوتین" آنرا در نطفه خنثی نموده و حتی نگذاشت تا از دیوار ها و در ها و پنجره های همان عمارت به برون درز کند. دیکتاتوری که جا در جای پای "ستالین" گذاشته است و کشور و مردمی را دیربست به گروگان گرفته است و دمار از روزگار شان بدر آوردن است. (او که هفتاد و دو سال دارد، ۲۶ سال است که به گونه ها و نام های مختلف مردم روسیه را استثمار میکند). میگویند این دیوانه زنجیری در مخیله خود، خود را "ستالین" فکر کرده و روزگاری را بالای مردم روسیه تحمیل نموده است که مردم روسیه به سگ "ستالین" محتاج شده اند.

چگونه می شود از چنین فردی و از چنین رژیمی و از چنین سیستمی و از چنین کشوری توقع "توسعه و امنیت جهانی عادلانه" داشت و چشم از دیدن آنهمه ظلم و جنایت و قتل و کشتار و ویرانی و جنگ طلبی و نفوق طلبی و...، فرو بست و گویا "لام تا کام" نگفت و راه خود گرفت و رفت و توقع "توسعه و امنیت جهانی عادلانه" داشت؟! این درست به منزله "سر زاغ، بودنه گرفتن" است. توسعه و امنیت و عدالت از فرد و از سیستمی داریم که خود سایه امنیت و عدالت را از فرسخ ها دور با گلوله میزند، با توپ و تانک و تیر و تلوار و...، در صدد نابودی کامل آنها برآمده و یگانه سبب زنده مانی این فرد و این سیستم هم همانا زور است و جنگ طلبی و قلدرنمائی و...

هر کجا ظلم رخت افکنده ست

مملکت را ز بیخ برکنده ست